

حوادث ۱۹ خرداد ۱۳۹۸

پیکیری یک پرونده

گفت‌وگوی جام‌جم با وکیل قربانی کودک‌آزاری در کرمانشاه

دختر ۵ ساله قربانی آزار مدیرعامل

متهم پرونده آزار دخترپچه پنج ساله در کرمانشاه با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی بازداشت شد. به گفته پدر این کودک، ۱۹ ضربه روی بدن این دختر بچه دیده شده است. به گزارش خبرنگار جام‌جم، هفته گذشته مردی با مراجعه به دادستانی کرمانشاه با طرح شکایتی مدعی آزار و اذیت دختر پنج ساله‌اش توسط مدیرعامل شرکت محل کارش شد. این مرد در شکایت خود گفت: من به عنوان سرایدار در یک شرکت تولیدی کار می‌کنم. مدیرعامل شرکت، دختر پنج ساله‌ام را با خود به منطقه‌ای جنگلی برده و مورد آزار و اذیت قرار داده است. وی ادامه داد: از این مرد شکایت و دادستان هم از دخترم تحقیق کرده است. بعد از این شکایت مدیرعامل ما را از سرایداری بیرون کرد. مصطفی احمدیان که به صورت رایگان وکالت پدر این دخترپچه را قبول کرده است، درباره جزئیات حادثه به جام‌جم گفت: روز حادثه متهم، این دخترپچه را از آغوش مادرش می‌گیرد و با خود می‌برد که بعد از بازگشت، پدر و مادرش متوجه کیبودی روی بدن دخترشان می‌شوند. در این پرونده بحث تجاوز مطرح نیست و اتهام کودک‌آزاری مطرح شده است. همچنین معتقدیم او مرتکب آدم‌ربایی شده که با توجه به سن کودک باید به اشد مجازات محکوم شود.

وی ادامه داد: دخترپچه می‌گوید: متهم او را به منطقه‌ای جنگلی که کسی آنجا نبوده، برده و لباس‌هایش را از تنش خارج کرده است. اما متهم در دفاعیاتش گفته است: من بچه‌ای ندارم و دخترپچه را مثل فرزند خود دوست داشتم. به او قول داده بودم برایش عروسک بخرم. به همین خاطر روز حادثه او را به پارک بردم و بازی کرد. بعد هم آب روی لباسش ریخت که به خاطر آن لباس‌هایش را بیرون آوردم.

احمدیان خاطرنشان کرد: پرونده در شعبه اول دادسرای کرمانشاه مطرح است و روز چهارشنبه برای متهم قرار وثیقه ۵۰۰ میلیونی صادر شد که به خاطر عجز از تودیع وثیقه به زندان رفت. بعد از این شکایت به شای‌ و همسرش اجازه ورود به شرکت داده نشد و درخواست کرده‌ایم آنها نتوانند وارد شرکت شوند و وسایل خود را از اتاق سرایداری بیرون ببرند.

محکمه

قصاص؛ پایان درگیری با پیرمرد همسایه

پسر جوان که پس از درگیری با مرد همسایه، او را ضربه چاقو به قتل رسانده بود، با حکم قضات دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد.

روبه‌روی روشویی میان راه‌پله خانه‌شان ایستاد. آب سرد را باز کرد و به دست و صورت خود پاشید تا خستگی کار کردن از صبح تا غروب را تسکین دهد. ناگهان با صدای فریاد مرد میانسال که همسایه‌اش بود، سکوت دهنش درهم شکست و به دم در حیاط رفت تا ببیند ماجرا از چه قرار است.

پیرمرد داشت به او اعتراض می‌کرد که: «چرا ایستاده‌ای و خانه ما را دیدی می‌زنی؟»

حالا دیگر محسن هم داشت مثل پیرمرد فریاد می‌زد و می‌گفت که این کار را نکرده است. پیرمرد فحاشی کرد و محسن از کوره دررفت. چاقویی را که به با آن کل کاری می‌کرد برداشت و به در خانه پیرمرد رفت. اما با وساطت همسایه‌ها به خانه‌اش برگشت. پشت سرش مرد همسایه‌ها باز هم به در خانه‌شان آمد و باز هم کار به درگیری لفظی کشید. حالا این بار مرد همسایه بود که کارد دستش گرفته بود. محسن به مقابل در خانه رفت و با او درگیر شد. چاقو را از دستش گرفت و به سینه‌اش کوبید و از سی و یکم خردادماه سال ۹۴ تا به حال، اتهام قتل را بدک می‌کشد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، محسن در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران در دفاع از خود گفت: «هیچ خصومت قبلی با همسایه‌امان نداشتم. هیچ نام‌دم چه شد که آن روز عصبانی شدم و در یک لحظه چاقو به قلب او اصابت کرد. پشیمانم و طلب بخشش دارم.»

با اصرار اولیای دم بر قصاص، سرانجام حکم قصاص برای قاتل مرد همسایه صادر شد.



عنوان دیه به خانواده قربانیان بپردازند. گروه ساختمان‌سازی بن‌لادن که متعلق به خانواده اسامه بن‌لادن می‌باشد در ابتدا مسؤول این حادثه معرفی شده بود اما هم اکنون با تبرئه همه متهمین، آب و هوا عامل این حادثه معرفی شده و دولت سعودی از مسؤولیت این حادثه خونبار شانه‌خالی کرده است.

مکرمه در عربستان سعودی با صدور رای اولیه خود همه متهمان این قضیه به‌ویژه شرکت بن‌لادن را تبرئه کرده است. این دادگاه مدعی شده که مسؤولیت این حادثه برعهده هیچ‌یک از متهمان نیست زیرا قصور شرکت بن‌لادن یا دیگر متهمان در این حادثه ثابت نشده است. بنابراین نیاز نیست این شرکت یا دیگر متهمان مبالغی را به

تبرئه عاملان سقوط جرتقیل مکه دادگاه کیفری مکه با صدور رای اولیه در باره حادثه سقوط جرتقیل در مکه که منجر به کشته شدن ۱۰۷ حاجی شد، عاملان این حادثه و شرکت پیمانکاری «بن‌لادن» را تبرئه کرد.
ایرنا به نقل از روزنامه «المدینه» عربستان سعودی، گزارش کرد، دادگاه کیفری مکه

روایت اختصاصی جام‌جم از نجات یافتگان حادثه ریزش معدن در حوالی یزد و گفت و گو با دو حادثه‌دیده

۲۰ ساعت جدال با مرگ در قعر معدن

❗ سیاهی مطلق بود. ابوالفضل جز

صدای نفس‌های خودش و دایبی حسین، صدای دیگری نمی‌شنید. انگشتان دستش را تکان داد، جز خلأیی عمیق و ترسناک، چیزی حس نکرد. انگار که انگشت نداشت. انگار تبدیل به دو روح شناور شده بودند. تک و تنها در میان دل‌کوه و نیم‌متر حفره‌ای که درون آن به دام افتاده بودند و مرگی که هر لحظه آغوشش را برایشان تنگ‌تر می‌کرد، فقط به یک چیز فکر می‌کردند:معجزه برای نجات.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو سالی می‌شد که حسین امیری، معدن‌گزی‌نو در ۶۰ کیلومتری بهاباد یزد را خریده بود و می‌خواست دوباره آن را فعال کند، اما تصمیم گرفت ابتدا همه جایش را بررسی‌کند. موضوع را با خواهرزاده‌اش ابوالفضل درمیان گذاشت و او هم قبول کرد و همراه با سه نفر از دوستان شان به سمت معدن گزینو حرکت کردند. معدنی مرموز با صد‌ها سال قدمت‌که آبستن حادثه‌ای عجیب برای آنان بود.

❗ **۱۲ شهریور بهاباد، معدن گزینو چندساعت قبل از حادثه** کوه در دشتی بزرگ قرار داشت و تاکیلومترها، هیچ ردی از انسان و زندگی در آن دیده نمی‌شد. پنج مرد از ماشین پیاده شدند. سه نفر پای کوه ماندند و ابوالفضل و حسین وارد معدن سرب و روی گزینو شدند. بعد از ورود، با تحسین به هنر دست معدنچیان قدیمی نگاه کردند. قدیمی‌ها، پس از استخراج لایه بین‌کوه و خالی شدنش، میان آن چوب‌های متوالی و فلزور قرار می‌دادند تا هم به عنوان مسیر از آن استفاده‌کنند و هم فاصله بین دو لایه حفظ شود تا روی هم نخوابد و فاجعه رخ ندهد. فاجعه‌ای که اتفاقی‌بی‌صبرانه در انتظار حسین و ابوالفضل بود.

نیم‌ساعت از ورودشان به معدن گذشته بودکه ناگهان یکی از چوب‌ها سست شد و شروع به ریزش کرد. اتفاق مرگبار اصلی هنوز نیفتاده بود. در نوبت قله‌کوه، اقدامات اکتشافی جدید انجام و مقداری خاک و سنگ روی ورودی معدن قدیمی انبار شده بودکه هیچ کس از آن خبر نداشت و بی‌خبر از ابوالفضل و دابی‌اش، داشت قاتل جان‌آنها می‌شد.

چند دقیقه بعد، چوب آزاد شد و ناگهان حجم عظیمی از خاک و سنگ درست مثل آبشار از ارتفاع ۴۰ متری نزدیک دو‌مرد روی زمین آوار شد. اگر یکی از سنگ‌ریزه‌ها به سرشان اصابت می‌کرد، در جاکشته می‌شدند. گرد و خاک غلیظ که

راز قتل دختر جوان در عمق چاه



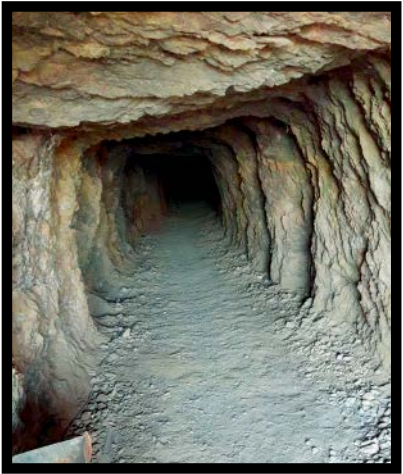
محل راه‌آوردن جسد دختر جوان (عکس‌گالری عکس‌های پیکانی ها)

محل راه‌آوردن جسد دختر جوان (عکس‌گالری عکس‌های پیکانی ها)

قرار گرفت که منکر قتل شد. ماموران که متوجه تناقض گویی‌های او شده بودند، به بازجویی‌ها

ادامه دادند تا این‌که روز پنجشنبه به قتل اعتراف کرد. سرهنگ حسین ترکیان با اشاره به اعترافات متهم به قتل افزود: مرد جوان در بازجویی‌ها مدعی شد به دلیل اختلافاتی که با دختر جوان داشته او را خفه کرده و بعد جسدش را داخل خوروبیش گذاشته و به بیابان‌های نصاباد رفته و داخل چاهی انداخته است. با راهنمایی متهم به قتل ماموران راهی محل شده و با کمک افراد بومی و امدادگران، جسد دختر جوان را از عمق ۷۰ متری چاه خارج کردند.

یکی از اهالی نصابراد در این باره به جام‌جم گفت: چاهی که جسد داخل آن افتاده بود ۷۰ متر عمق داشت و در فاصله حدود ۳۰ متری چاه قرار داشت. روی چاه کارگاهی احداث کردیم و یک نفر مقنی به داخل چاه رفت و توانست جسد دختر را پیدا کند و از چاه بیرون بیاورد.



سنگ را کنار می‌زدند، آوار با لجاجت بیشتری فرومی‌ریخت. هر دقیقه‌ای‌که می‌گذشت، شمع امید معدن‌کاران برای نجات، کم‌رمق‌تر می‌شد. ابوالفضل ادامه می‌دهد: «در میان بیم و امید برای زنده ماندن، ناگهان صدای ترق ترق چوب‌ها بلند شد که نشان می‌داد دو طرف کوه در حال فشار آوردن به‌هم است. اگر این اتفاق می‌افتاد، پرس می‌شدیم و چیزی جز چند تکه لباس از ما باقی نمی‌ماند. با تمام وجود دست به عا برداشتیم. انگار خدا صدامان را شنید، اما هنوز خطر رفع نشده بود. دوستان‌مان متوجه وضعیتمان نبودند و به همین خاطر خودمان قسمتی از تونل را با سنگ و خاک مسدود کردیم تا وقتی رفقای‌مان مسیر را از پایین باز می‌کنند، دوباره با سنگ و خاک پر نشود. بعد از مدتی حس کردیم مسیر باز شد و چون صدای‌مان را می‌شنیدند، به آنها گفتیم به این سمت نپایند که خطرناک است.»

هنوز راه مشخصی برای خروج دو مرد اسیر در معدن وجود نداشت. ساعت سه و نیم بامداد روز پس از حادثه به نعمت... قاسمی، معاون و مسؤول عملیات امداد و نجات

پرواز قلب سرباز برای نجات يك بیمار



محل راه‌آوردن جسد دختر جوان (عکس‌گالری عکس‌های پیکانی ها)

به گزارش خبرنگار جام‌جم، محمد ۲۴ ساعت خدمت بود و ۲۴ ساعت استراحت. در مدتی که در استراحت بود، موتورسازی می‌کرد. صبح دوازدهم شهریور باید به محل خدمتش می‌رفت. با خانواده خدا حافظی کرد. نمی‌دانست این آخرین خداظفی با آنهاست.

سوار موتورش شد و مسیر پادگان را در پیش گرفت. ساعتی بعد تلفن خانه‌شان به صدا درآمد. مرد ناشناسی از آن سوی خط خبر داد، محمد تصادف کرده و او را به بیمارستان میبد یزد برده‌اند.

دابی محمد درباره حادثه می‌گوید: بلافاصله خودمان را به بیمارستان رساندیم. پزشکان می‌گفتند در جریان تصادف صدمه شدیدی به سر محمد وارد شده بود. یک نیسان یخچال‌دار که جلوی محمد در حرکت بود، ناگهان تغییر مسیر داده و محمد که با موتور، پشت خودروی نیسان بود، نتوانست موتور را کنترل کند و با شدت به آن برخورد کرد.

دستبرد باند برمودا به خانه

با کمک جوان پارکورکار

ورزشکار پارکورکار که با همدستی دو دوست جانش با تشکیل باند مثلث برمودا شبانه به خانه‌های شمال و شمال غرب تهران دستبرد می‌زدند، در جریان آخرین سرقت تعدادلش را از دست داد و از سرقت‌هایشان فاش شد. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل خرداد امسال، مردی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایت کرد وقتی با خانواده‌اش از سفر بازگشته متوجه عوض شدن قفل

هلال احمر بهاباد ماموریت دادند تا به معدن برود. او می‌گوید: «دستگاه زنده‌یاب، بتون بر، طناب و تجهیزات افرادی مانند بیلچه را برداشتم و با گروه به سمت معدن حرکت کردیم. افرادی‌که آنجا بودند، با وجود تلاش زیاد نتوانسته بودند محبوسان را خارج کنند. ایمنی مسیر جدیدی را همراه با نیروهای اورژانس، هلال احمر و آتش‌نشانی تامین و پس از چند ساعت آواربرداری توانستیم آنان را ساعت ۹ صبح و بعد از ۲۰ ساعت از معدن خارج‌کنیم.»

حمیدرضا دهقان، کاردان فوریت‌های پزشکی بهاباد در مورد این عملیات می‌گوید: «هر دو ترسیده بودند و

حالت‌گیره نداشتند. علائم جسمی‌شان را چک کردیم و جز کوفتگی مشکل خاصی نداشتند و برای همین به مرکز درمانی اعزام نشدند.»

از لحن حسین مشخص است حتی یک درصد هم احتمال نمی‌داد از مرگ نجات پیدا‌کند. ابوالفضل هم کمک‌های مردم، دوستانشان و البته نیروهای امدادی را معجزه خداوند می‌داند که باعث نجاتشان شد. ❗

پزشکان تلاش برای نجات جان محمد زارع را آغاز کردند. شدت صدمات زیاد بود و باید او را به بیمارستان مجهزتری منتقل می‌کردند. او را سریع به بیمارستان فرخی یزد انتقال دادند اما یک روز بعد متخصصان اعلام کردند، او مرگ مغزی شده و دیگر آمیدی به بازگشتش به زندگی نیست.

دابی محمد ادامه می‌دهد: وقتی پزشکان خبر مرگ مغزی محمد را به ما دادند دنیا برپایمان تیره و تار شد. تا آن روز امیدوار بودیم او به زندگی بازگردد. فقط یک ماه مانده بود خدمتش تمام شود. قرار بود برایش آستین با بزنیم اما او سرنوشت دیگری داشت.

با اعلام رضایت خانواده زارع برای اهدای اعضای بدن فرزندشان، کارهای مقدماتی برای انجام پیوند در دستور کار تیم‌های پزشکی قرار گرفت.

دکتر سناز دهقانی؛ رئیس واحد پیوند اعضای وزارت بهداشت در این باره می‌گوید: دو کلیه بیمار مرگ مغزی در همان شهر یزد به دو بیمار نیازمند اهدا شد و هم‌زمان کبد بیمار برای پیوند از طریق زمینی به شیراز انتقال یافت. قلب این بیمار مرگ مغزی برای پیوند به صورت هوایی به بیمارستان رایجی منتقل و به بیمار قلبی پیوند زده شد.

گرفتند. در متهمان در جریان تحقیقات پلیسی به دزدی‌های سریالی اعتراف کردند. شهروز ۲۵ ساله درباره سرقت از خانه‌ها گفت: دوستانم برای پول و من به خاطر هیجان و نیز به رخ کشیدن ورزش پارکور که انجام می‌دادم، دست به سرقت می‌زدیم. هر سه نفرمان در بخشی از بدنمان یک مثلث برمودا خالکوبی کرده بودیم که نام گروه‌مان شد مثلث برمودا. شبانه دست به این سرقت‌ها زده و برخی مواقع از ترس این‌که صاحبخانه سر برسد، همدست سارقان بود تا این‌که هفته گذشته مردی در تماس با پلیس از دستگیری دو سارق خبر داد. ماموران به محله‌ای در شمال تهران رفتند و دو سارق دست و پا بسته با طناب را تحویل